معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در گفت‌وگو با «ایران» تشریح کرد

«مدرسه توانا»؛ پایان آموزش‌های مقطعی آغاز توانمندسازی مستمر

گزارش

معصومه غفاری
گروه گزارش

کیفیت آموزش و یادگیری دانش‌آموزان، پیش از هرچیز به توانمندی حرفه ای معلمان وابسته است.
تجربه نشان داده که برنامه‌های مقطعی و پراکنده توانمندسازی به تنهایی پاسخگوی نیاز مدارس نیستند.
این در حالی است که در چشم‌اندازی جدید، مدرسه دیگر فقط محل تدریس نیست، بلکه کانون اصلی شناسایی نیازها، اولویت‌بندی چالش‌ها و اجرای برنامه‌های توسعه است. با این اوصاف طرح «مدرسه توانا» با درک این واقعیت، تلاش می‌کند تا فرآیند توسعه حرفه‌ای را از قالب دوره‌های آموزشی خارج کرده و آن را به یک «نظام مستمر و مدرسه‌محور» تبدیل کند.
طرحی که با هدف ایجاد تحول در نظام توانمندسازی نیروی انسانی دوره ابتدایی و استقرار یک نظام منسجم، مستمر و مدرسه‌محور برای توسعه حرفه‌ای معلمان و مدیران طراحی شده و نقطه آغاز آن یک واقعیت روشن است؛ اینکه ارتقای کیفیت آموزش و بهبود فرآیند یاددهی ـ یادگیری، پیش از هر چیز به توانمندی حرفه‌ای معلمان و فراهم بودن فرصت رشد و یادگیری مستمر آنان وابسته بوده و تجربه برنامه‌های مختلف توانمندسازی نشان داده است که فعالیت‌های پراکنده و مقطعی، به‌تنهایی پاسخگوی نیاز مدارس نیستند و باید در قالب یک نظام هماهنگ، هدفمند و مبتنی بر مسائل واقعی مدرسه دنبال شوند. در این طرح مدرسه باید کانون اصلی شناسایی نیازها، اولویت‌بندی مسائل، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های توسعه حرفه‌ای باشد و مدیران مدارس نیز نقشی محوری در هدایت جریان پویای مستمر توانمندسازی در مدارس داشته باشند.

تهیه و توزیع درسنامه برای کودکان محروم از تحصیل

رضوان حکیم‌زاده معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در گفت‌وگو با «ایران»، «مدرسه توانا» را طرحی مبتنی بر ایجاد تحول در نظام توانمندسازی نیروی انسانی دوره ابتدایی و فرآیندی پیوسته از نیازسنجی، یادگیری، تجربه‌وزری، تبادل تجربه، دریافت بازخورد، مستندسازی و بهبود عملکرد حرفه‌ای معرفی می‌کند.
او در تشریح این طرح می‌گوید: «این رویکرد چند مؤلفه مکمل دارد: مدرسه‌محوری و نیازسنجی واقعی با مشارکت شورای معلمان، شکل‌گیری اجتماعات یادگیری حرفه‌ای برای تبادل تجربه و حل مسائل آموزشی، آموزش‌های تخصصی و هدفمند متناسب با نیازهای شناسایی‌شده، یادگیری مبتنی بر عمل از طریق فعالیت‌هایی مانند درس‌پژوهی، اقدام‌پژوهی، مشاهده همتا و مطالعه گروهی، پشتیبانی و نظارت حرفه‌ای سطوح منطقه‌ای، استانی و ستادی و در نهایت ارزیابی، مستندسازی و بازطراحی برنامه‌ها بر اساس شواهد و نتایج به‌دست‌آمده.»
معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، هدف نهایی عملیاتی کردن این طرح را ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان و مدیران، بهبود کیفیت عملکرد آموزشی و تربیتی مدارس و ارتقای کیفیت یادگیری دانش‌آموزان توصیف می‌کند و می‌گوید: «در این خصوص، اقدام لازم درباره شناسایی دقیق و پیگیری موردی آغاز شده و در ادامه مدیران مدارس و راهبران آموزشی و تربیتی موظفاند دانش‌آموزان روستایی و عشایری در معرض ترک تحصیل یا بازماندگی را شناسایی و وضعیت آنان را پیگیری کنند. در این راستا یکی از مسیرهای مهم، بررسی اسمی دانش‌آموزانی است که باید از یک دوره تحصیلی به دوره بالاتر وارد شوند، یعنی نرخ گذر آنان بررسی شود و اگر دانش‌آموزی در پایه بالاتر ثبت‌نام نکرده باشد، علت آن پیگیری و برای بازگشت او به مدرسه اقدام شود.
همچنین برای کودکانی که به دلیل شرایط خاص امکان دسترسی منظم به مدرسه ندارند، درسنامه تهیه و توزیع می‌شود و محتوای آموزشی نیز به شکل‌های آنلاین، آفلاین یا از طریق صداوسیما در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. در مواردی هم معلمان مدارس روستایی و عشایری با مراجعه حضوری به منازل، ثبت‌نام و استمرار آموزش دانش‌آموزان را پیگیری می‌کنند.»

همراهی سامانه شهید محمودوند با طرح مدرسه توانا

او درباره «سامانه شهید محمودوند» یا همان سایت شناسایی بازماندگان از تحصیل نیز توضیح می‌دهد: «این سامانه در موفقیت فرآیند طرح مدرسه توانا نقش مهمی دارد و به دلیل اینکه مشخصات کودکان بازمانده از تحصیل در این سامانه ثبت می‌شود، نقش آن در راستای پیگیری جذب و آموزش این کودکان، بسیار تعیین‌کننده است. در این سامانه، علت بازماندگی بر اساس ۲۰ سؤال از جمله فقر مالی خانواده یا فاصله زیاد محل سکونت تا مدرسه بررسی شده است. پس از مشخص شدن علت، هر استان، متناسب با شرایط هر کودک در خصوص تأمین رایگان پوشاک، لوازم‌التحریر و تغذیه تا حمایت مالی از خانواده، استفاده از ظرفیت نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد، سازمان بهزیستی و تشکل‌های مردمی و غیردولتی و نیز تأمین سرویس رفت و آمد رایگان در مناطق محروم و روستایی که دسترسی به مدرسه در آنها دشوار است، اقدام می‌کنند. بنابراین تأکید ما بر این است که شناسایی صحیح کودک و مشکلات او باید به رفع موانع حضور او در چرخه آموزش منتهی شود.»
معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، می‌گوید: «طبیعتاً اجرای هر برنامه‌ای که شیوه‌های مرسوم مدیریت را تغییر بدهد و نقش و مسئولیت بیشتری برای مدرسه تعریف کند، ممکن است در مراحل اولیه با چالش‌های اجرایی و هماهنگی همراه باشد. با این حال، طرح مدرسه توانا برای حذف یا تضعیف ساختارهای مدیریتی موجود طراحی نشده است، بلکه هدف از ایجاد آن بازتعریف نقش سطوح مختلف و حرکت به سمت مدیریت مشارکتی و مدرسه‌محور است که در این الگو، مدیر مدرسه با مشارکت شورای معلمان و دیگر عوامل آموزشی، نیازهای حرفه‌ای مدرسه را شناسایی و بر اساس آن برنامه‌ریزی می‌کند. در مقابل، مناطق، استان‌ها و ستاد مسئولیت هدایت، پشتیبانی تخصصی، تسهیلگری و نظارت بر کیفیت اجرا را برعهده دارند. بنابراین مسأله، انتقال صرف اختیار نیست؛ بلکه توزیع مسئولیت، تقویت مشارکت و افزایش ظرفیت تصمیم‌گیری در مدرسه است.»
حکیم‌زاده توضیح می‌دهد: «تحقق این رویکرد به تغییر نگرش در برخی فرآیندهای اداری، اعتماد به ظرفیت‌های حرفه‌ای مدارس، تقویت مهارت‌های مدیریتی مدیران و هماهنگی میان سطوح اجرایی نیاز دارد که در این طرح تلاش شده است تا نقش هر سطح روشن و از موازی‌کاری جلوگیری شود تا همه ظرفیت‌ها در خدمت توانمندسازی نیروی انسانی قرار بگیرند. مدارس زمانی توانمند می‌شوند که مدیران و معلمان آنها در شناسایی مسأله، تصمیم‌گیری، یادگیری و بهبود عملکرد خود، نقش فعال داشته باشند و ساختارهای بالادستی به‌جای تصدی‌گری، زمینه‌ساز و پشتیبان این فرآیند باشند.
در طرح مدرسه توانا، تلاش شده است تا میان نیازهای محلی و کیفیت و اعتبار علمی آموزش‌ها تعادل برقرار شود. بنابراین از یک سو، سرفصل‌ها و اولویت‌های آموزشی کشوری و ستادی بر اساس سیاست‌ها، اسناد بالادستی، اهداف دوره ابتدایی و ضرورت‌های تخصصی این دوره تعیین می‌شوند و چارچوب مشترک برنامه‌های توانمندسازی را شکل می‌دهند و از سوی دیگر، نیازهای اختصاصی هر مدرسه و معلم از طریق نیازسنجی، مشارکت شورای معلمان و بررسی مسائل واقعی محیط آموزشی شناسایی می‌شود تا موضوعات تکمیلی و فعالیت‌های متناسب با شرایط مدرسه انتخاب شوند.»
او درباره حفظ اعتبار علمی و کیفیت برنامه‌ها، توضیح می‌دهد: «چند سازوکار دراین خصوص در نظر گرفته شده است که عبارتند از: نیازسنجی نظام‌مند و مبتنی بر شواهد، انطباق موضوعات منتخب با اهداف دوره ابتدایی، سند تحول بنیادین، برنامه درسی ملی و اولویت‌های تخصصی معاونت آموزش ابتدایی، استفاده از محتوای علمی و استاندارد و بهره‌گیری از متخصصان، مدرسان واجد صلاحیت، راهبران آموزشی و تربیتی، معلمان توانمند، ارزیابی کیفیت محتوا و روش اجرا، تخصص مدرسان، میزان مشارکت و به‌ویژه قابلیت به‌کارگیری آموخته‌ها در کلاس درس. به بیان دیگر، سرفصل‌های کشوری جهت‌گیری مشترک را مشخص می‌کنند و نیازسنجی مدرسه‌محور به آموزش‌ها تناسب و اثربخشی می‌بخشد. هدف این است که هر معلم با بهره‌مندی از آموزش‌های ضروری و مشترک، فرصت یادگیری متناسب با نیاز حرفه‌ای خود و شرایط مدرسه‌اش را نیز داشته باشد، البته همه این فعالیت‌ها در چارچوب اهداف، سیاست‌ها و استانداردهای نظام تعلیم و تربیت انجام می‌شود.»

طراحی جشنواره هویت ایرانی ـ اسلامی با محوریت موضوعات هویتی

حکیم‌زاده با تشریح تجربه زیسته دانش‌آموزان از حوادث اخیر کشور و همچنین ظرفیت آن برای تقویت هویت ملی می‌گوید: «از منظر تربیتی می‌توان تجربه‌هایی را که ممکن است برای کودکان حساسیت‌برانگیز یا آسیب‌زا باشند را بدون ایجاد تنش روانی به فرصتی برای هویت‌یابی و یادگیری تبدیل کرد، اصل مهم این است که تجربه‌های دشوار کودکان نباید با بازنمایی خشن و اضطراب‌آور دوباره به آنان تحمیل شود، بنابراین باید فضایی امن، متناسب با سن و نیز امیدمحور فراهم شود تا دانش‌آموزان بتوانند درباره همدلی، کمک به یکدیگر، مقاومت، حفظ آرامش و تداوم زندگی آموزش‌های لازم را فراگیرند.
در همین راستا جشنواره هویت ایرانی ـ اسلامی دانش‌آموزان دوره ابتدایی و نوآموزان پیش‌دبستانی با مشارکت معاونت آموزش ابتدایی، سازمان تعلیم و تربیت کودک و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان طراحی شده است. این جشنواره بستری مثبت و خلاقانه فراهم می‌کند تا تجربه‌های حساس، در فضایی تربیتی‌شده، به زمینه‌ای برای تقویت هویت و احساس تعلق تبدیل شوند. محورهای این جشنواره طیف متنوعی از موضوعات هویتی از «ایران من» و شناخت جغرافیا، طبیعت، شهرها، روستاها، اقوام، زبان‌ها و میراث فرهنگی ایران تا «فرهنگ و هنر من» با تمرکز بر صنایع دستی بومی، نگارگری، نقش‌های ایرانی، شعر، قصه، نمایش خلاق و آیین‌های ملی و مذهبی را دربرمی‌گیرد.»
او توضیح می‌دهد: «در محور «ریشه‌های من»، دانش‌آموزان با میراث تاریخی، تمدنی و فرهنگی ایران، مفاخر، دانشمندان، ادیبان و هنرمندان آشنا می‌شوند. «قهرمانان من» نیز به شناخت الگوهای ایرانی ـ اسلامی، از دانشمندان و مفاخر تا شهدا، ایثارگران، امدادگران، معلمان و انسان‌های فداکار اختصاص دارد. در محور «باورهای من»، آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی در پیوند با زندگی روزمره کودک، مانند عدالت، مهربانی، صداقت، ایثار، کمک به دیگران و احترام، مورد توجه قرار می‌گیرد. محور «ایران در روزهای سخت» فرصتی است برای روایت تجربه‌های مردم از جنگ، همدلی، مقاومت، کمک به یکدیگر، حفظ آرامش و تداوم آموزش، با این تأکید که از بازنمایی خشن و اضطراب‌آور جنگ برای کودکان پرهیز شود و امید، زندگی، استقلال، وحدت و انسجام اجتماعی مورد توجه قرار بگیرد.
«ایران فردا» نیز دانش‌آموزان را به اندیشیدن درباره آینده کشور و نقش خود در ساختن ایرانی آباد، پیشرفته، اخلاقی، مستقل و سربلند دعوت می‌کند. برای دانش‌آموزان مدارس عشایری نیز محور ویژه «ایل من» پیش‌بینی شده است تا میراث تاریخی، تمدنی و فرهنگی عشایر و تجربه‌های همدلی و یاریگری در میان آنان بازشناسی و روایت شود.»
حکیم‌زاده، می‌گوید: «نکته مهم این است که این جشنواره به یک مناسبت یا فعالیت مقطعی محدود نمی‌شود و فرآیند آن در طول سال تحصیلی، در پنج گام پیوسته شناخت خود، خانواده، خانه، محله و سرزمین، کشف ریشه‌ها و آشنایی با مفاخر، میراث تمدنی، ادبیات، هنر و آداب اقوام، شناخت قهرمانان و الگوها و پیوند ارزش‌ها با زندگی روزمره، گفت‌وگو درباره ایران در روزهای سخت با تأکید بر همدلی، امید و کمک به جامعه و سرانجام اندیشیدن به ایران فردا و مسئولیت دانش‌آموز در ساختن آینده پیش می‌رود. در این مسیر، دانش‌آموزبا تکیه بر آموخته‌های خود تحقیق و پژوهش می‌کند و با تسهیلگری آموزگار و همراهی خانواده، اثری خلاقانه و متناسب با سن خود پدید می‌آورد. کار گروهی، به‌ویژه در دوره دوم ابتدایی، جایگاه ویژه‌ای دارد تا دانش‌آموزان در کنار شناخت هویت خود، همکاری، مسئولیت‌پذیری جمعی و کار تیمی را نیز تجربه کنند. همچنین تهیه دفترچه‌های راهنمای استانی درباره مفاخر، اماکن، میراث فرهنگی و نمادهای بومی پیش‌بینی شده است. این دفترچه‌ها منابع پیشنهادی‌اند و دانش‌آموزان می‌توانند موضوع خود را از میراث بومی، سایر استان‌ها یا نمادها و مفاخر ملی انتخاب کنند.
در مجموع، تلاش ما این است که دانش‌آموز از شناخت خود و خانواده به شناخت سرزمین، میراث و قهرمانان و سپس به مسئولیت‌پذیری در قبال آینده ایران برسد، این تجربه دشوار می‌تواند در بستری امن و متناسب با اقتضائات کودکی، به فرصتی برای پرورش همدلی، امید، تعلق و آینده‌نگری تبدیل شود.»



> طرح را ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان و مدیران بهبود کیفیت عملکرد آموزشی و تربیتی مدارس و ارتقای کیفیت یادگیری دانش‌آموزان آغاز شده و در ادامه مدیران مدارس و راهبران آموزشی و تربیتی موظف‌اند دانش‌آموزان روستایی و عشایری در معرض ترک تحصیل یا بازماندگی را شناسایی و وضعیت آنان را پیگیری کنند



توانمندسازی نیروی انسانی آموزش و پرورش در دولت چهاردهم

برش



او توضیح می‌دهد: «توانمندسازی نیروی انسانی یکی از وظایف اصلی و ذاتی معاونت آموزش ابتدایی است که در همه دوره‌های مدیریتی به‌صورت مستمر دنبال می‌شود.
در دولت چهاردهم نیز، در چارچوب برنامه تحولی «اصلاح روش‌های آموزش و تحول در محیط‌های یادگیری» و با توجه به تأکیدات ریاست محترم جمهوری درباره ارتقای کیفیت نظام آموزشی و نیز در راستای اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، توانمندسازی حرفه‌ای معلمان، مدیران و راهبران آموزشی و تربیتی، به‌عنوان یکی از محورهای اساسی ارتقای کیفیت آموزش و تربیت دوره ابتدایی مورد توجه قرار گرفته است.
همان‌طور که در سال تحصیلی ۱۴۰۶.۱۴۰۵ نیز رویکرد معاونت بر استمرار برنامه‌های جاری، اجرای طرح مدرسه توانا، توسعه اجتماعات یادگیری و تقویت سازوکارهای پشتیبانی و ارزیابی استوار است. در این نگاه، توانمندسازی فرآیندی مستمر، هدفمند و نیازمحور است که از شناسایی نیازهای حرفه‌ای آغاز می‌شود، با توسعه دانش و مهارت، یادگیری مشارکتی و بهره‌گیری از تجربه‌های موفق ادامه پیدا کرده و با به‌کارگیری آموخته‌ها در محیط واقعی کار و ارزیابی اثربخشی برنامه‌ها کامل می‌شود. البته برای تثبیت نهادی و تضمین پایداری این مسیر، پیش‌بینی اعتبارات، تقسیم روشن وظایف درون‌سازمانی، گنجاندن فعالیت‌های توانمندسازی در برنامه‌های سالانه، ارزیابی عملکرد سطوح اجرایی و برخورداری از پشتوانه مصوب و رسمی ضروری است، زیرا در معاونت آموزش ابتدایی ما به دنبال آن هستیم که یادگیری حرفه‌ای از یک فعالیت جانبی یا مناسبتی فراتر برود و به بخشی پایدار از کار و زندگی حرفه‌ای مدرسه تبدیل شود.»

> توانمندسازی نیروی انسانی یکی از وظایف اصلی و ذاتی معاونت آموزش ابتدایی است که در همه دوره‌های مدیریتی به‌صورت مستمر دنبال می‌شود. دولت چهاردهم نیز، در چارچوب برنامه تحولی «اصلاح روش‌های آموزش و تحول در محیط‌های یادگیری»، با توجه به تأکیدات ریاست محترم جمهوری درباره ارتقای کیفیت نظام آموزشی و در راستای اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران را مورد توجه قرار داده است

> از منظر تربیتی باید تجربه‌هایی را که ممکن است برای کودکان حساسیت‌برانگیز یا آسیب‌زا باشند را بدون ایجاد تنش روانی به فرصتی برای هویت‌یابی و یادگیری تبدیل کرد، اصل مهم این است که تجربه‌های دشوار کودکان نباید با بازنمایی خشن و اضطراب‌آور دوباره به آنان تحمیل شود

